



سخن سردبیر: تدابیر پاسداشت حکمرانی اقتصادی جنگ و تأمین سرمایه اجتماعی دفاع

ترکیبی

علی اصغر پورعزت^۱

در جنگ ترکیبی، فروپاشاندن توان اقتصادی، نقش مهمی در به استیصال کشاندن ملت‌های مقاوم دارد؛ پس در حکمرانی جنگ، باید مفهوم اقتصاد جنگ مورد توجه ویژه و کفایت بخش قرار گیرد. آیات بسیاری در کتاب حکیم به مصادیق غنیمت و تأمین اقتصادی جنگاوران پرداخته‌اند؛ به ویژه آیات ۱۹ تا ۲۱ در سوره فتح، به ضرورت رعایت عدالت و حکمت در توزیع غنائم اشاره کرده‌اند؛ همچنین در نامه ۵۳ نهج البلاغه (خطاب به مالک اشتر) و دعای مرزداران صحیفه سجادیه، درباره رعایت حریم رزمندگان و ایجاد امنیت اقتصادی برای خانواده‌های آنان هشدار داده شده است؛ بنابراین، می‌توان ادعا کرد که توجه ویژه کتاب و سنت به این امر و مجموعه نصایح و دستورالعمل‌ها و احکام و دلالت‌های مهمی که درباره تأمین مالی رزمندگان آورده‌اند، به حکمرانان هشدار می‌دهند که واقعیت میدان جنگ ترکیبی را دریابند؛ هشدارها و دلالت‌هایی که عظمت امر دفاع و رعایت شئون مالی و اقتصادی خانواده‌های رزمندگان را در کانون توجه حکمرانان ژرف‌نگر قرار می‌دهند. اگر به امر جنگ و دفاع، نیک نگریسته شود، ملاحظه گردد که در عصر حاضر، در هنگامه جنگ‌های ترکیبی، بخش مهمی از مردم، به ویژه نیروهای جان بر کف ارتش و سپاه، نیروهای امدادی، خبرنگاران و جنگاوران رسانه‌ای و در نگاهی عمیق‌تر، حتی معلمان امید آفرین و آموزش دهندگان و انسجام‌بخشان به عامه مردم و تأمین‌کنندگان تسهیلات زندگی، نظیر آب و برق و راه، سهم انکارناپذیری در پیروزی‌های ملی داشته‌اند. عقلانیت حکمرانی متعالی حکم می‌کند که جامعه، به گونه‌ای رفتار کند که این نیروهای آماده رزم و جان بر کف، دست کم از وضعیت معیشت خانواده‌های خود مطمئن باشند. پس بر حکمرانان تعالی‌گرا و مومن است که به طور ویژه و شایسته، این گروه‌های اجتماعی را دریابند؛ به طوری که ضمن پاسداشت ایثار "ذاتاً جبران‌ناپذیر" جنگاوران و نیروهای امدادی، به طور ویژه، به ضرورت تأمین مالی و رفع حداقل نیازهای معیشتی خانواده‌های آنان توجه شود. این نکته بسیار مهم است که امروزه باید مفهوم غنائم جنگی به صورتی متناسب با شرایط جنگ‌های مدرن و ترکیبی، بازپردازی و بازتعریف شود؛ زیرا در عصر حاضر، غنائم جنگی به صورت گذشته، در کاروان دشمنان، در دسترس نیستند یا اساساً وجود ندارند؛ بنابراین، در امتداد این باور عمیق که پرداختن به غنائم جنگی در کتاب حکیم و آثار اهل بیت علیهم السلام، دال بر ضرورت توجه به جنبه‌های اقتصادی زندگی جنگاوران و مدافعان است، باید اندیشید که امروزه مفهوم غنیمت جنگی، چه مظاهر و الگوها و جایگزین‌هایی دارد.

استناد: پورعزت، علی اصغر (۱۴۰۵). سخن سردبیر: تدابیر پاسداشت حکمرانی اقتصادی جنگ و تأمین سرمایه اجتماعی دفاع ترکیبی. /ارزیابی و رشد سرمایه‌های انسانی، ۳(۲)، الف-ب.

۱. استاد، گروه خط‌مشی‌گذاری عمومی، دانشکده علوم اداری و سازمانی، دانشکده‌گان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. pourezzat@ut.ac.ir رایانامه:



This Journal is licensed under a [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)

ناشر: دانشکده مدیریت، دانشگاه علوم و فنون هوایی شهید ستاری

ارزیابی و رشد سرمایه‌های انسانی، ۱۴۰۴، تابستان، دوره ۲، شماره ۲، ص. ۱-۲

شاپا: ۹۶۴۴۰

توجه به این نکته مهم است که این امر، هم مدافعان جنگی و دفاعی و هم مدافعان امور پشتیبانی و آموزشی و رسانه‌ای امید آفرین را در بر می‌گیرد.

نکته دیگری که در باب اقتصاد جنگ شایان توجه است، پرداختن جدی به رفع محرومیت و مهار مشکلات اقتصادی گروه‌های فقیر و آسیب‌پذیر جامعه است؛ عجیب آنکه در فضای اقتصادی جنگ، برخی از گروه‌های اجتماعی، به سودهای سرشار ناشی از کمیابی برخی کالاها دست می‌یابند؛ سودهایی که استمرار آنها ناشی از جهاد جنگاوران و رزم‌آوران است؛ زیرا در صورت شکست جنگاوران، همه چیز از دست می‌رود!

بنابراین، در حالی که بخشی از جامعه به ثروت می‌رسد؛ بخش بزرگ‌تری از جامعه، با آسیب‌های جدی مواجه می‌شود؛ آسیب‌های ناشی از فداکاری برای کشور و صدمات جانی و مالی ناشی از ایستادگی در برابر تحرکات پلید دشمنان.

اگر جامعه‌ای مدعی وحدت و خلل‌ناپذیری است، باید همچون پیکره‌ای واحد، صدمات ناشی از آسیب‌های جنگ و منافع حاصل از تغییرات و تحولات اقتصادی عرصه جنگ را به گونه‌ای توزیع نماید که هیچ یک از اقشار اجتماعی، در هنگامه پُرتنش و پُرچالش جنگ و جنگاوری، دچار فلاکت نگردد و به ورطه استیصال و درماندگی، فروغسلان نشود. حکمرانان خردمند، به خوبی در می‌یابند که اگرچه جنگ و تأمین تجهیزات نظامی و دفاعی، همواره اولویت دارد، رسیدگی به اقتصاد خانواده‌های جنگاور و مدافعان خطوط اول و خطوط پشتیبان در عرصه‌های رزمی، پشتیبانی و تدبیرگری جنگ، اولویت انکارناپذیر دارد؛ بدیهی است که بی‌توجهی یا سهل‌انگاری در این امر، ممکن است موجب شکست تدابیر دیگر شود.

همچنین رسیدگی به وضعیت اقشار فقیر یک مسئله عمومی مهم بوده، باید در قانون توجه باشد.

در پایان تأکید می‌شود که همواره احتمال دارد که هر قانون و خط‌مشی و تنظیم‌گری فروکاهنده توان دفاعی آفندی و پدافندی، ریشه در نفوذ و تباه تدبیرهای القایی دشمنان داشته باشد؛ یعنی هر طرحی که قدرت دفاعی جنگاوران را تحلیل می‌برد و از بنیه دفاعی کشور می‌کاهد و آنان را در هنگامه جنگ، نگران وضع اقتصادی خانواده‌هایشان می‌سازد، اگر دسیسه دشمن نباشد، بی‌تردید به نفع دشمن است. اگر اقتصاد منحرف، توان دفاعی ما را تحلیل می‌برد، پس حتماً مورد توجه دشمن قرار خواهد داشت؛ پس چه بسا ما طرح‌های شکست خویش را به دست کارشناسان و متخصصان به ظاهر دلسوز، به گونه‌ای طراحی و تصویب کنیم که توان مقاومت جنگاوران ما را تحلیل برد و بدین‌سان، در غفلت اهل خرد و در غیاب حکمرانان خردمند، حکمرانان بی‌خرد یا خودفروخته‌ای میدان‌دار شوند که مکرراً، آب به آسیاب دشمن می‌ریزند.